



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

مجموعه عظیم و گرانسنگ عبقات الأنوار في امامة الأئمة الأطهار و مؤلف کم نظیر آن، شمشیر آخته حق بر سر دشمنان، آیت بزرگ خدا، عالم سخت کوش پرسوز، میر حامد حسین هندی (۱۲۴۶ - ۱۳۰۶ق)، مشهورتر از آنند که در اینجا به معرفی آنها پردازیم.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در وصف میر حامد حسین گوید:

«...من در سده های اخیر کسی را نمی شناسم که در این راه چونان او جهاد کرده و

کوشیده باشد، و همه چیز خویش را در راه استواری حقایق مسلم دینی از دست داده باشد. چشم روزگار در سرتاسر آبادهای و اعصار، در پژوهش و تتبع، در فراوانی اطلاع، در دقت نظر و هوش، در حفظ و ضبط مطالب، کسی چنان او ندیده است.» (میر حامد حسین، ص ۱۲۱).

میر حامد حسین برای تحصیل منابع عباقت، رنج بسیار کشید و با علمای بلاد - از جمله محدث متبّع حاج میرزا حسین نوری متوفای ۱۳۲۰ - در این زمینه مکاتبه کرد. همزمان با نشر «عباقت» سیل تقریظها و نامه‌های عالمان به سوی هند سرازیر گشت و سپس تعدادی از آنها با عنوان «سواطع الأنوار فی تقریظات عباقت الأنوار» به اهتمام سید مظهر حسن در ۵۶ صفحه، در لکهنو به سال ۱۳۰۴ قمری، منتشر شد. و سپس همراه با افزودگیهای بسیار، به اهتمام مولوی سید مظفر حسین به سال ۱۳۲۳ قمری = ۱۹۰۵ م، در لکهنو در ۱۲۴ صفحه تجدید چاپ شد. در این کتاب برخی از نامه‌های محدث نوری هم درج شده اما با تلخیص و حذف بسیاری از مطالب - لایه به مصالحی - و همراه با اغلاطی مطبوعی. اما اینک که اصل آن نامه‌ها به خط محدث نوری به دست آمده به لحاظ فواید گوناگونی که بر نشر آنها مترتب است به آن اقدام شد. چنانکه ملاحظه می‌شود عمده این نامه‌ها در باره پیدا شدن یا نشدن این و آن کتاب مهم و کیفیت تحصیل و استکتاب آنهاست، و نشانه همت والای عالمان بزرگ ما، و آینه شفاف است که تلاشها و مرارت‌هایی را که آن بزرگان متحمل شدند نشان می‌دهد، و به ما تنبّه می‌دهد که در این عصر، با این همه امکانات گوناگون، برای پاسداری از حقیقت اسلام و تشیع، مسؤلیت بزرگی بر دوش داریم. این نامه‌ها بین سالهای ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۵ به میر حامد حسین نوشته شده است و برخی هم تاریخ ندارد که سعی شد نامه‌ها به ترتیب تاریخی چاپ شود، و هر کدام فاقد تاریخ بوده با توجه به محتوای نامه‌ها در جای مناسب خود قرار گرفته است.

و از کم و کیف و سرنوشت کنونی جواب میرحامد حسین به این نامه‌ها عجاله اطلاع دقیقی در دست نیست.

در چند مورد که کلمه‌ای خوانده نشده - و در يك مورد به خاطر ملاحظاتی -

بجای آن سه نقطه گذاشته شد و تصرفی جز در رسم الخط بعضی کلمات صورت نگرفت. چنانکه می‌دانیم سابقاً «ای» - در مثل «رساله‌ای» - را نمی‌نوشتند و این کلمه را به صورت «رساله» می‌نگاشتند با اینکه به صورت «رساله‌ای» خوانده می‌شد. مع ذلك در چنین مواردی که کلمه «ای» اضافه شده، آن را بین دو قلاب [] نهاده‌ایم.

نامه شماره ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رسانم: إنه قد ألقى إليّ كتاب كريم من السيد العالم العليم حامي الدين و ماحي بدع المشركين - أطال الله بقاءه و رزقنا لقاءه.

از سال ملاقات تا کنون، طالع این عاصی چنین شد که غالب عمر در سفر می‌گذرد، لهذا از بسیاری از فیوضات که من جمله آنها اظهار حیات به آن جناب باشد محروم هستم. مکرر خواستم ثبت بعضی از کتب را بفرستم موفق نشدم، اگر چه حقیر غالباً در صدد تحصیل کتب قدیمه فرقه ناجیه‌ام، لهذا بحمدالله بسیاری به دست آمد خصوص از اخبار و تفسیر؛ ثبت بعضی را که احتمال نبودن در آنجا بود ارسال حضور شد. «مناقب کنجی» حاضر، اگر چه صفحه [ای] از اول و قدری از اواسط ساقط، و در سامره هم کاتب نیست؛ و لکن به التماس، بعضی از فضلا را راضی کردم، مشغول نوشتن است به وعده جلدی از عبقات که جناب [عالی] ارسال دارید. ان شاء الله تعالی تا ماه شعبان تمام شده ارسال حضور خواهد شد. و اما کتاب رجال از جبل عامل غیر از «أمل الآمل» نسخه [ای] ندارم، نعم کتاب «ریاض العلماء» که در ده مجلد است: پنج از آن، احوال علماء خاصه، و پنج از عامه، تألیف جناب فاضل میرزا عبدالله افندی، تلمیذ علامه مجلسی؛ پنج جلد از آن، از مسوده نسخه اصل به دست آمد، به زحمت استنساخ شد: بعضی از خاصه و بعضی از عامه. در کتب احوال علماء به منزله «بحار» است در کتب اخبار. ترجمه خودش را نوشته ارسال داشتم. موجود باید قریب شصت هزار بیت باشد. در نجف اشرف خط قابل قرائت، از هزاری سه قران کمتر میسر نمی‌شود، چنانچه رأی

شریف مستقر شد اعلام فرموده در انجام این مرام حاضر.
از جناب مولوی ارشاد حسین سلمه الله تعالی تا حال خبری نشد. زمان
شرفیابی مکه معظمه در ذی القعدة ماضیه، جلد سابع عشر «بحار» به انضمام «معالم
العبر» تألیف حقیر به توسط جناب نواب نوازش علی خان ارسال خدمت شد. در
مکه مذکور داشتند که ارسال داشتند، اشاره از وصول آن نبود. دیگر [کتاب]... در
نبودن حقیر، نسخه جناب عالم شیخ فضل الله همشیره زاده سلمه الله به توسط
جناب عالم حاجی شیخ علی محلاتی ساکن بمبئی خدمت عالی فرستادند. کتاب
کبیر داعی مسمی به «دار السلام فیما یتعلق بالرؤیا و المنام» که قریب پنجاه هزار
بیت شده در تهران مشغول طبعند.

و حال، حقیر مشغول مستدرک وسائلم. کتبی که در نزد جناب شیخ حر نبود،
به دست آمد. به همان ترتیب مشغولم. البته دعا خواهید فرمود که خداوند اعانت
فرماید. چنانچه حقیر فراموش نکردم.
از کتاب «کشف الحُجُب و الأستار» اثری ظاهر
نشد. نمی‌دانم کارش به کجا رسید، در هر حال بی‌دیدن «ریاض» البته
نقص دارد.

جلد «عبارات» که سابق مرحمت فرمودید رسید، بنقد منتظر جلد موجود و
جلدی هم به جهت کاتب «مناقب کنجی».

جلد اول «استقصاء» به دست آمد، از دوم آن در اینجا نسخه نیست.
مختارید، در هر حال منتظر فرمایشات هستم. من العبد الحاج میرزا حسین نوری.

نامه شماره ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض مقدس عالی می‌رسانم، روز گذشته که ششم ماه شعبان المعظم است از
کربلا مراجعت کردم، و به زیارت تعلیقه سامی و نامه گرامی مشرف شدم شاکر و
مسرور. خداوند دعای این رو سیاه را در حق آن قبله معظم قرین اجابت فرماید،
و این وجود شریف را از مکاره و امراض و مصایب و مکاید ابناء دهر، مصون و

محروس دارد.

تتمه جلدین «ریاض» حاضر، با فهرست کتب صنیع الدوله، که از طهران فرستادند. مجال تنقیح نشد، عین آن با اجزاء «ریاض» تسلیم یکی از اَجِبًا شد که در اول اوقات امکان، ارسال دارد. خط جلد ثانی مناسب میل نشد. امر کتابت به نحوی صعب شده که این مقدار به صعوبت به دست آمد. إن شاء الله از سامره، صورت مخارج آن ارسال می شود که به جناب مولوی نیاز حسن برسانید.

«اربعین خزاعی» در ماه گذشته به توسط حاجی عبدالهادی خان کابلی ارسال شد. در این سفر اربعین محمد بن ابی الفوارس در اینجا به دست آمد، چنانچه مایل باشید نسخه شود، از قدمای عامه است. در عرایض سابقه مکرر عرض کردم که ذمه جنابعالی از تتمه «عبقات» بریست، باز بی لطفی فرموده ارسال داشتید، هنوز نرسیده [ه]، چنانچه برسد امانت است، در هر مصرف که معین بفرمایید صرف خواهم کرد. غیر از صحت و سلامت مزاج شریف، مقصد و مطلوبی نیست. نقض عثمانیه ابن طاوس بزحمت محلش پیدا شد در دست غیر اهلش، هر تدبیر کردم در آن چند روز به وصالش نرسیدم، باز بعضی را معین کردم که بگیرند. خداوند این خلق را انصاف و شعور، کرامت فرماید. ضعف دین تا به اینجا رسیده که در جوار امیرالمؤمنین علیه السلام شخصی از اهل علم، از کتابی که در آن تقویت دین است، مضایقه می کند. جنابعالی به همت عالیه میل دارید که از بلاد بعیده تحصیل کتب مناقب شود.

ذَهَبَ الَّذِينَ يُعَاشُ فِي أَكْنَافِهِمْ لَمْ يَبْقَ إِلَّا شَامِتٌ أَوْ حَاسِدٌ
مجدداً عرض شود که امروز اربعین محمد بن ابی الفوارس الحمد لله مال حقیر شد، به همراه می برم سامره، ان شاء الله تعالی به هر قسم است نسخه برای جنابعالی کرده می فرستم. امروز عازم.

جناب مستطاب آقا زاده معظم را - عَلِمَ اللهُ - دعا گو هستم و خواهم بود. یکی از اعیان علما که از اقارب و اهل بلد بود، خبر فوت او رسید. بسیار پریشان حواسم، معتزدم از پریشان نویسی.

من العبد حسین النوری فی مشهد الکاظم علیه السلام.

بسم الله الرحمن الرحيم

دو نسخه «حدیث منزلت» که جناب مستطاب عماد الملة و الدین و ناصر الإسلام و المسلمین مؤلفه مولانا الأجل میر حامد حسین آدام الله علاه از لکهنو فرستادند به توسط جناب مستطاب عمدة العلماء العظام آقا میرزا محمد همدانی سلمه الله تعالی به این احقر عباد حسین نوری در سُرْمَن رَای رسید. فی ربیع الثانی ۱۳۰۱ و این قبض در ده نسخه است.

بسم الله الرحمن الرحيم
 بعضی وقتها میسراند که در یکجا قبل از بینه با کتاب محمد لهاده شرط جناب
 حاجی شیخ محمد کشمیری ارسال خدمت شد و مطالب عدیده در آن خط بود
 از آن کلام عظام و موالیان کرام و فضلا کرام لایسته جزین و لایسته در آن خط
 جواب آنها هم و اکنون مرسله جناب لای حجه السلام دام ظلهم مرقوم فرمودند
 دیگر انفا و حضور مبارک شد و چون در آن فرستادیم جناب عالی مطلع
 دیگر در بیانست که اینجانب در آنجا طلب و منافاتی با محتاط ندارد و تبیین
 فرمایند خواهد شد امروز خطی از نیزه رسید بشارت پیداشدن چند کتاب از
 عامه در آن بود سابقین خاتمی مشاب این شهر آشوب اربعین خواندنی
 عالیه در تدریس کتاب آنها در اینجا امید با عانت اجداد طاهرین شاکست الله
 علیهم سبب آن فراهم بیاید خطی در جواب است صاحب آن جناب
 عندهم لایسته از امیرزا ابوالفضل پیر عالم جلیل حاجی میرزا ابوالقاسم اشرف
 روح ملوکها این شیخ رضی عنه مقامه که شرح حال ایشان در نامه نوشته
 معنی الیه از جمله علماء و فضلا فارغعلیمی و مداحین جناب عالی مکرر خواهد
 برسلی خود را شد که در حال این عرضم فرماید شرح و چونکه نام آن
 در دفتر مجربین ثبت فرموده و در یک کلمه جواب ایشانرا منتظر فرمایند خدمت

تصویر نامه شماره ۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

أفاض الله تعالى على سيدنا و عمادنا و ظهرنا جمال الملة و سيف الدين بركاته التامة العامة الكاملة الشاملة، و جعله في دُرُوعه الحصينة التي جعل فيها محمداً و آله صلوات الله عليهم.

به زیارت نامه نامی و کتاب سامی مشرف شدم، چه عرض کنم که چه قدر زاید از اندازه و قابلیت این عاصی، لطف و مرحمت فرمودید. به خود نظر می‌کنم خارج از دایره اهل علم، و در فراست جنابعالی تأمل می‌کنم فی الجمله، امیدوار که شاید خداوند مرحمت فرموده به حسن ظن جنابعالی رفتار فرماید، و از همان شراب طهور که به سر کار چشانده شربتی در دل تباه ریزد.

فقره کتب مرسوله قریب بفرنجی شد. پس از وصول خط مدتی گذشت، مطالبه کردم. جناب میرزا محمد همان نسخه «منزلت» را فرستاد، باز نوشتم و مطالبه باقی را کردم، پس ثانی «استقصاء» وقفی فرستاد که به کاتب کنجی دهم، و این که دو جلد عباقت را برای من فرستادند. متعجب از سر کار که غرض از توسیط ایشان در این کار و سبب آن چیست؟ ایشان آنقدر مشاغل خارجه دارند که ابداً به این عوالم ربطی و به این کتب کاری و به علما راهی ندارند. از تاریخ مطبوع در بمبئی باید استظهار فرموده باشید عالم ایشان را و آنکه با چه رقم محشورند.

الحاصل، خط مبارك را چند روز قبل فرستادم، هنوز خبر نیامد. من بعد اگر مرحمتی می‌شود به همان نحو نزد مقرب الخاقان بفرستید، خود ایشان بهتر و زودتر می‌فرستند.

از وصول کنجی اشاره نفرمودید قدری متزلزل شدم، إن شاء الله از روی نسیان بوده.

«طبقات» سید علی خان ربطی به «سلافه» - که غرض جز بلاغت نبود - ندارد، و اسم این کتاب «درجات الرفیعة فی طبقات الامامیة»، فی اثنا عشر [کذا] طبقة (۱۲):

۱- في الصحابة؛ ۲- في التابعين؛ ۳- فيمن روى عن الأئمة عليهم السلام؛
 ۴- في سائر المحدثين و المفسرين و الفقهاء؛ ۵- في الحكماء و المتكلمين؛ ۶-
 في علماء العربية؛ ۷- في الصوفية؛ ۸- في السلاطين؛ ۹- في الامراء؛ ۱۰- في
 الوزراء؛ ۱۱- في الشعراء؛ ۱۲- في النساء. خَرَجَ مِنْهُ الْأُولَى وَ شَطْرُ مِنَ الرَّابِعَةِ وَ
 قَلِيلٌ مِنْ ۱۱.

و عمدہ غرض، اصلاح خرابی صاحب «مجالس» است كما قال في
 ديباجته: «و لم أقف على كتاب وافٍ بهذا الغرض أي جميع طبقات الشيعة إلا
 مجالس المؤمنين، و هو غير نافع - إلى أن قال: - و أما ثانياً فلأنه جاء بالطم و
 الرم، و لم يُعَيِّرُ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الجِسْمِ، فَأَفْسَدَ السَّمِينُ بِالغَثِّ وَ رَقَعَ الْجَدِيدُ بِالرُّثِّ،
 وَ أَدخَلَ الدَّخِيلَ فِي الصَّرِيحِ، وَ جَمَعَ بَيْنَ الصَّرِيحِ وَ الْجَرِيحِ، وَ عَدَّ مِنْ أَصْحَابِنَا
 مَنْ لَا يَنْزِلُ بِفَنَائِهِمْ، وَ لَا يَسْقِي مِنْ إِنْائِهِمْ، وَ أَهْمَلَ ذِكْرَ جَمَاعَةٍ مِنْ مَشَائِخِنَا هُمْ أَشْهُرُ
 مِنْ أَنْ لَا يَعْرِفُوا وَ حَاشَاهُمْ مِنْ أَنْ يَكُونُوا نَكَرَاتٍ فَيَعْرِفُوا فَحَرَكَ مِنِّي هَذَا الْاِسْتِدْرَاكُ
 إِلَخ.»

از نجف هنوز خبر نرسید، نسخه خودم [را] مثل اغلب کتب دیگر در عجم
 نگاه داشتند به گرو که داعی بر گردم، محتاج به نسخه دیگران شدم. در دو ماه قبل
 نوشتند که هنوز نداده، باز واسطه دیگر گرفتم، إن شاء الله گرفته، مشغولند، غرض،
 آن وجه [ظ] به کتاب ریاض به کار نمی خورد اگر مشغول شده باشد.

ثبت کتابخانه مشهد رضا علیه السلام را فرستادم مجال استنساخ نشد،
 ملاحظه بفرمائید، اگر محتاج نشدید محبت فرموده بفرستید، خالی از غلط نیست،
 و اشتباه نسبت که از بی سوادی کتابدار است.

«فَرَّقَ نُوْبَخْتِي» نیز ارسال شد؛ با قدری از اول «مقایس»، دفتر کتب چاپ
 تهران در اینجا میسر نیست از آنجا طلبیده إن شاء الله خواهد رسید.

اولاد مرحوم شیخ عبدالحسین به تهران رفتند. کتبشان در کربلا و نجف، آن
 هم پس از آمدن یا مشرف شدن حقیر به نجف خواهد رسید. در وقت حراج کتب
 مرحوم حاجی ملا باقر کتابفروش، حقیر در عجم بود و إن شاء الله پس از مشرف
 شدن نیمه شعبان، به دفتر کتب او که فروختند رجوع می کنم که معلوم شود کتاب

مرقوم را که خریده، شاید رد یا استنساخ میسر شود. کتاب شرح اخبار قاضی نعمان مصری صاحب «دعائم الاسلام» در این ایام پیدا شد در کاظمین، هنوز به دست نیامد، خوب کتابی است، قلیلی نقص دارد، نمی‌دانم در آنجا نشانی از او هست یا خیر؟ غیر از رساله عصمت و رجعت شیخ احمد، دیگر کتابی از ایشان به نظر نرسید در غیبت، اگر مقصود همان است تحصیل چاپ آن ممکن، اعلام فرموده بفرستم، و اگر غیر آن است محتاج به رفتن خودم است به کربلا، ان شاء الله تعالی. از تاریخ بیرون آمدن از نجف اشرف از فیض کتب محروم شدم و عمده سبب اختیار این مکان، حفظ از شرور است، که الآن نهایت آمال و امانی است. داعی را ابداً معینی به قدر پیدا کردن یا نوشتن یا تصحیح یک خبر نیست. تمام اینها را - مضافاً الی تحصیل اصل کتاب با هزار زحمت - خود باید بکنم و با این حال راضیم که آسوده باشم و میسر نمی‌شود، و این با آن خیال جنابعالی خیلی تباین دارد. عصر اگر عصر صفویه بود معلوم می‌شد. والحمد لله علی کل حال و الی الله المشتکی و علیه الاتکال.

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از نوشتن آن صفحه جناب مستطاب مولوی نیاز حسین [کذا، ظ حسن] آیده الله وارد شدند، شرف ملاقات حاصل، در باب «ریاض» گفتگو شد. هفتاد روپیه حواله فرمودند برای استکتاب، والحمد لله علی حل هذه العقدة. اگر اصل نسخه وقف نبود می‌نوشتیم که مجزاً کنند که زود تمام شود و لکن جرأت نیست، ان شاء الله تعالی به برکت اجداد طاهرین سرکار علیهم السلام نهایت اهتمام خواهد شد، و هر قدر از اجزاء درآمد، ارسال خواهد شد. نسأل الله تعالی التوفیق.

چه عرض کنم که چه اندازه متحسرم از عجز از خدمت و اعانت جنابعالی که خدمت به اُس اسلام است. در این مدت تحصیل کتب، کمتر به فکر تحصیل آن رقم کتب بودم، تمام هم در پیدا کردن کتب قدم بود و الا میسر بود. در این سفر که از تهران مراجعت کردم، تحسیر احدی بیش از مؤلفین «نامه دانشوران» نبود که

تازه ملتفت شدند و در بسیاری از موارد مستمداً بودند، خصوص رئیس اربعه جناب آقای شیخ مهدی قزوینی که الحق خیلی با فضل و کمال است، مشروحاً به ایشان می‌نویسم. از کتاب «تقلیب المکاید» خلد آشیان‌والد اعلی‌الله مقامه - در جلد ثانی در احوال ابن ابی الحدید نقل کردند و اسم بردند با اسم جنابعالی که داعی نشان دادم. و حال اگر ترجمه علمای آن بلدان برسد اولاً خود داعی محتاج، خصوص اگر رشته اجازه از ایشان به دست آید؛ چون جماعتی اصرار دارند مختصری ك «اللؤلؤة» نوشته شود، و اگر نزد داعی باشد به ادنی مناسبت نقل خواهم کرد که اسامی شریفه ایشان باقی، و زحمتشان بر علمای ایران معلوم شود. البته ارسال خواهید داشت، و ثانیاً مؤلفین «نامه دانشوران» خیلی ممنون. در این بسته دفتر کتب صنیع الدوله را - که رئیس مجلس آن جماعت شده از جانب دولت پس از فوت شاهزاده اعتضاد السلطنه - که حاوی تمام کتب چاپی تهران و غیره است خواسته إن شاء الله تعالی خواهد رسید. و از قرار مکاتیب چند روز گذشته باز در صدد بردن حقیرند به آنجا، هنوز رأی مستقر نشده و مصالحش بر مفاسدش در نظر، رجحانی پیدا نکرده. هر چه شد عرض خواهم کرد، در هر حال امسال نخواهد شد.

«سر العالمین» غزالی را خیلی طالب دیدارم هنوز میسر نشد. در «استقصاء» اشاره به وجود دو نسخه آن فرمودید، راه وصول به آن را جنابعالی بهتر می‌دانید. ادام الله تعالی آیام سعادتکم بمحمد و آله علیهم السلام.
من العبد المذنب حسین النوری ۶ جمادی الأولى ۱۳۰۱.

نامه شماره ۵

بسم الله الرحمن الرحيم

جلد اول و دوم «عبقات» که جناب مستطاب جمال الملة و الدین و ناصر الاسلام و المسلمین السید الأجل میر حامد حسین آیده الله تعالی از هند فرستادند به جهت کاتب کتاب «کنجی شافعی» رسید، و به ایشان تسلیم شد. تحریراً فی ۱۵ ذی القعدة ۱۳۰۱.

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض مقدس عالی می‌رسانم که إن شاء الله تعالی در ظل عنایت خاصه الهیه، مصون و محروس از شر ناس و نکباتِ دهر بوده، پیوسته مشغول باشید به سدّ ثغور مسلمین و حفظ بیضه دین از تطرُقِ اوهامِ شیاطین موقفاً، منصوراً، مؤیداً، مسدداً، بمحمد و آلہ علیهم السلام.

به توسط جناب مستطاب مولوی نیاز حسن سلمه الله عریضه با پاره [ای] اجزاء ارسال شد. و من أعجب الأعاجیب آنکه جناب ایشان در نجف اشرف مشافهت فرمودند: نسخه حدیث منزلی جناب ایشان - یعنی سرکار عالی - به جهت تو فرستاده در کربلا است. داعی قبل از ایشان آمدم که به جهت عاشورا در سامره باشم، ایشان ماندند و پس از ورود، مراسله جنابعالی رسید متضمن ارسال دو نسخه به توسط ایشان. چند ماهی طول کشید تا مشرف شدند مطالبه کردم، فرمودند: در کاظمین مانده در مراجعت می‌فرستم. و پس از مراجعت الی حال اثری ظاهر نشد. گویا آن هم مثل سایر خیرات والدۀ مختار الملك مختص کربلا شد که در اینجا ابدأ بروزی نکرد. غرض، خیلی جای حیرت است که جناب ایشان با سابقه لطف و محبت و ارجاع زحمت استکتاب «ریاض» این مقدار خیر که ادای امانت باشد از ایشان به من نرسید، حال قیاس بفرمایید اعانت دیگران را. الحاصل، شقشقه هدرت.

«طبقات» بحمدالله تمام شد رسید با چند جزء از «ریاض» اگر چه کم بود. ولكن به همین نحو ارسالش بهتر است. و جناب مولوی فرمودند که بفرستم بمبئی نزد حاجی سلطانعالی [کذا] تاجر. ولكن چون مقصود اصلی سرکار بودید إن شاء الله امضا خواهند فرمود و من بعد نیز چنین خواهم کرد، دیگر جنابعالی به ایشان اعلام خواهید داد و امضا خواهید گرفت و گله خواهید فرمود.

نسخه «ریاض» موجود از سواد بیرون نیامده بود، در بین سطور در بسیاری از جاها بیاض بود به این نحو: ثم أقول، یا: و قال، و هكذا و چیزی نبود، و خیال

داشت که بنویسد و نشد، و مکرر بسیار. و بعضی مطالب در حاشیه جای ربطش معلوم نبود. با این همه خرابی بزحمتی نوشته شد، غرض، محل ایراد نشود که معذورند، إن شاء الله تعالی بزودی تمام می‌شود، دو کاتب مشغولند. اما مخارج «طبقات»: عدد اجزاء چهارده جزء و نیم، جزوی ۸۸۰ بیت تقریباً، هزاری چهار قران عربی، مجموع پنجاه و هشت قران عربی، قیمت کاغذ سه قران عربی، جمع آن به قران عجم هفت تومان و دو قران الا دو قمری[؟]. به توسط نواب عظیم الشان نوازش علی خان دام اقباله رسید چهار تومان، الباقی سه تومان و دو قران. به جناب مستطاب عالم فاضل آقا شیخ مهدی العبد الرب آبادی سلمه الله که از فضلی اربعه مؤلفین «نامه دانشوران» است و رئیس و مقدم ایشان، و در فضل و کمال و خلق و تقوی ممتاز، ابلاغ فرمایش سرکار عالی شد، جوابی مرقوم فرمودند در جوف است ملاحظه خواهید فرمود. چنانچه در ارسال حالات اعلام علماء آن حدود تعجیل می‌فرمودید بهتر بود.

من العبد المذنب حسین النوری الطبرسی فی لیلة ولادة امیر المؤمنین علیه السلام.

بسم الله الرحمن الرحيم

معروض می‌دارد که داعی نسخه [ای] از «ریاض» برای خود می‌نویساندم در این حال که بنای آن چند جزو تازه نویس برای جناب مولوی نیاز حسن آیده الله شد حسین حسین کردم که ایثار بر نفس کرده آنچه برای خود داشتم نیز به ایشان بدهم خوفاً من حوادث الدهر، لهذا شانزده جزو و نیم از جلد دیگر ارسال خدمت شد پس از نیل مقصود آنچه رأی مبارک مستقر شد عمل خواهید فرمود. همانقدر شود که از ایشان وصول یا امضائی برسد به حسب تکلیف ظاهر شرعی، در هر حال جنابعالی اعرف و ابصرید. و فقره اغتشاش نسخه اصل و تکرار و اسقاط در این جلد بیشتر است.

والسلام علیکم.

کلام با نغمه برآوردند حال این شرح در مجرای بیان نغمه نوحه خود در شرح سخن از معارف عالی مرتبه اورا از
کتاب کلماتی که غزل هر سوئیست بر نقد اورا تا به لغت خانی حاج شیخ عبدالغنی که قید انضمام و تعلیق شرح هر چه
مفاسد زبانی است به نغمه نوحه نوحه اورا نمودند تا این همه قضایف حضرت محمد از نقد نمانده تفضل
کتاب ۱۰۰۰ جواب سایر خطابتها همه از شرح حال مرتب است روانه است و خود در جمع حرکت محسوس
حرفی نماند بعد اول کتاب عبققات اوزار اهرت بدست بیاید در این سفر در خدمت حاجی خطابت عالی مرتبت
واقط بر بنام بدهیم بیار عمل چنین حضرتت کیف الوصول الی سعاده و در نه عقل اجمالی و در و انج خوف
قطعه از عرب در کتب مردم شیخ غیری موجود است و کلام از امثال ایشان باشد تا حدی که سید احمد بن محمد چهار
هزار جمله نظم است این کلام از همان کتاب نفیسی است فوائد طریقه خریه دارد و در اثر تراست سید
حاجی بنام کتاب باشد باید بگردد که نقد از نقد بطلیم و کلامی را با نغمه یاد کنم که با نغمه سخن است و کتاب
نقص است امروز در رسم است شرح طریقه است امید دارم جز در است یا در نزد این طریقی نصف بود از هزار
مکرر صد این کتاب کتابانه معتبر دارد که هم از شرح گفته فدیمه واحدی با هزاره دارد و بداند پس از از اضع نصف
از وقت شرح سفید که از باب فرودید این چند رساله در اینجا موجود است رساله شهسودی بنام رساله اولی
رساله علمه تمام رساله سائل عکبری باقی ایضا بنام رساله تعلیم از خروج جن والدی ها تا نون عقرب است
در این کتاب که در همین کتاب که از این رساله در رومی حرف که بجهت تحصیل ادکیه با حرف که در شرح سب و است و
در کتب تفصیلی با هم جاب سید فام آید حسن در خطابت سید ادبی که برادر زاده مرحوم سید محمد امین
علیه صلوات علیه و آله و سلم در این کتاب است از باب نغمه نوحه و انج صحنی سخن بیان در این کتاب است
این کتاب است اوام است حاجت ایام سعادتکم و خدا و کلم محمد و انج علیهم
من عبدالعزیز بن انوری و مطالعات فرهنگی
ذکر بر سر رساله

تصویر نامه شماره ۱۰

به عرض می‌رسانم که از ماه مبارک رمضان گذشته تا چند روز قبل به زیارت تعلیق

شریفه مشرف نشدم تا این که جناب سید معظم خالوی جناب آقا سید مرتضی کشمیری سلمهما الله تعالی وارد شدند و معه «سر العالمین» و رساله شیخ مفید و خط مختصری از جناب آقا زاده معظم آیده الله تعالی که کاشف از اختلال مزاج شریف، در عین مسرت سبب حزن و اندوه شد. صد حیف که استعداد و قابلیت تحصیل نکردم که مترقب استجابت دعاها باشم که از برای سلامتی مزاج مبارک جنابعالی در حرماهای مطهره کردم. بنقد يك بسته تربت اصل - که از قبر مطهر، یکی از اخیار علما در این سنوات برداشته - دادم به جناب سید مومنی الیه که إن شاء الله تعالی به سلامتی رسانده از آن میل کنید که فیه شفاء للناس.

اربعین خزاعی را مجدداً دادم بنویسند، قدری مانده إن شاء الله تعالی تا مراجعت جناب سید از نجف اشرف، در کاظمین به ایشان می‌رسانم که برساند. اوثق از ایشان به نظر نیامد.

جلد تشبیه «عقبات» ادام الله ایام برکات مؤلفه رسید. از وصول تتمه «ریاض» و اربعین محمد بن ابی الفوارس اشاره فرمودید.

خطی جناب مستطاب آقا شیخ مهدی مؤلف «نامه دانشوران» نوشته چون غالب مطالب آن متعلق به جنابعالی بود عین آن ارسال خدمت شد مطالعه فرموده جواب آن را لطف فرموده. عمده، فهرست کتب و تألیفات سرکار را خواسته، خیال ترجمه اسم مبارک جنابعالی دارد، البته زود بفرستید.

فقره صوم و صلاة مرقوم فرمودید، چنانچه قابل باشد - که وجه صلاة اقل دوازده روپیه یا یازده کمتر نباشد و صوم پنج یا چهار روپیه باشد - بفرستند؛ چون [به] کسانی که بتوان به ایشان اعتماد کرد، - خصوص از اهل علم - کمتر از این نمی‌توان داد و نمی‌گیرند. فقره سیزده روپیه که سابق مرحمت کردید مکرر جسارت کردم که جنابعالی بریء الذمه اید، حقیر طلب ندارم، و حال در نزد حقیر به عنوان قرض است، هر چه دستور العمل می‌دهید عمل شود و اگر اذن می‌دهید بفرستم.

فقره خطی که بعضی خدمت جنابعالی نوشتند به انتساب با [کذا] این داعی، هیچ نفهمیدم کی بود و چه نوشت، اطلاعی ندارم خدا نکند خلاف قاعده کرده باشد، و جسارتی نموده باشد.

از رساله کافیه شیخ مفید تا حال چند نفرند که ملتزم شدند بفرستند هنوز نفرستادند، وضع خلق برگشته و باب اعانت بر برّ و تقوا مسدود، داعی باید واحده جذا.

و السلام علیکم و علی من اتبع الهدی.

من العبد حسین النوری.

ارباب شایقین به مؤلفات جنابعالی بسیار، و لکن جمعی که بنای انتفاع دارند و خواهش دارند و اسباب ترویج و نشرند به اسامی بعضی فعلاً اشاره می‌رود:

[۱-] جناب شریعتمدار حاجی میرزا ابوالقاسم کلباسی در نجف اشرف.

[۲-] جناب شریعتمدار آقا سید محمد سید حیدر در کاظمین مخصوصاً محل ابتلایند با عامه بغداد.

[۳-] جناب شریعتمدار حاجی سید اسماعیل اصفهانی خلف جناب سید صدر الدین عاملی در کاظمین یا سامره.

[۴-] جناب شریعتمدار حاجی میرزا فضل الله شیرازی در شیراز، خیلی التماس کردند و مروّجند، کتاب ایشان در بمبئی به امین التجار برسد، می‌رساند.

[۵-] جناب مستطاب میرزا ابوالفضل پسر مرحوم حاجی میرزا ابوالقاسم تهرانی حالیه در سامره.

[۶-] جناب مستطاب آقا میر سید حسین قمی ایضاً در سامره.

[۷-] جناب شریعتمدار شیخ فضل الله نوری، أجل تلامذه جناب میرزا دام ظلّه در تهران.

[۸-] جناب مستطاب شریعتمدار حاجی شیخ محمد حسین اصفهانی خلف مرحوم حاجی شیخ محمد باقر، حالیه در نجف اشرفند.

[۹-] جناب مستطاب شریعتمدار حاجی میرزا محمد حسین شهرستانی در کربلا.

اگر از هر نسخه، نسخه [ای] به جهت جناب عیاد الاسلام حاجی ملا علی کنی که امروز شخص اول علمای ایران است [فرستاده می‌شد] بسیار مناسب بود، و بسیار شایق این گونه تصانیفند، و بهتر از همه در مقام ترویج، چنانچه به توسط حقیر باشد بهتر است. ادام الله تعالی آیام سعادتکم.

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض مقدس عالی می‌رسانم که تعلیقۀ آفتاب طلعه رسید و به زیارت آن مشرف شدم. حقیقۀ چون مُنبئی از صحت مزاج جنابعالی اُدام الله تعالی برکاته بود - که نهایت انتظار داشتم که مطلع شوم - الحمد لله مسرور و خورسند شدم.

در ماه رجب «اربعین خزاعی» که مجدداً نوشته و مقابله کردم ارسال حضور باهرالنور شد، با ثبت اسامی بعضی از کسانی که نهایت شوق و میل به تصانیف جنابعالی دارند، و خط جناب فاضل شیخ مهدی مؤلف «نامه دانشوران» در جوف خط حقیر ارسال شد، خداوند اعانت فرماید که رسیده باشد.

کتب در بمبئی به جناب حاجی شیخ علی محلاتی برسد، در بوشهر تاجری را معین کردم که نزد او بفرستد که از آنجا آسوده متفرق شود.

فهرس رضوی تاکنون نرسید، همی ندارد. «شرح اخبار» ظاهراً تمام از طرق عامه باشد، امتیازی ندارد چون اسم کتاب نمی‌برد، و لکن از سیاق معلوم می‌شود. چون ماه مبارک است مجال نیست، إن شاء الله تعالی بلکه خداوند توفیق دهد تمام آن را نسخه کرده، ارسال دارم اللهم وفقنا.

از رسائل مفید، رساله غیبت، رساله تفضیل، رساله احکام النساء را ندارم، باقی موجود است. چنانچه لطف می‌شد با يك نسخه «عمدة الطالب» که از قرار مسموع در آنجا به طبع رسیده.

کتاب «کلمه طیبه» حقیر را در بمبئی مشغول طبعند، ظاهراً تا آخر شوال تمام شود، نوشتم دو نسخه خدمت جنابعالی ارسال شود: یکی از سرکار عالی و دیگری از آن جناب مستطاب شامخ الألقاب آقا سید محمد کابلی متخلص به حاذق آیده الله.

جلد اول «عبقات» هنوز به دست حقیر نیفتاده.

خدمت آقا زاده لازم التکریم سلام می‌رسانم اُدام الله توفيقه و جعله ممن ينتصر به لدينه و السلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

جلد ششم به توسط راجه میر باقر حسین رسید شکر الله تعالی سعیکم.

من العبد حسين النورى في ١١ شهر رمضان.
نقض عثمانیه فراموش نشده، پیوسته سفارش می‌کنم و متعهد می‌شوند هنوز
ابراز نکردند، هَدَاهُمُ اللَّهُ.

نامه شماره ٩

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض مقدس عالی می‌رسانم که در ماه مبارک گذشته عریضه نگار شدم با تقریظی غیر قابل، و به توسط جناب حاجی شیخ علی محلاتی سلمه الله ارسال فیض حضور مبارک شد. چند روز بعد از آن، جناب مستطاب مولوی نیاز حسن دام تأییده مشرف شد، اولاً الحمدلله از جناب ایشان آسوده شدم، و ثانیاً کتاب «نجوم السماء» که از بعضی تلامذه جنابعالی آیده الله تعالی است لطف فرمودند، بسیار مسرور شدم، الا آنکه صفحه دوم کتاب با سیم، ابدأ مربوط نیست، از وسط نیست که احتمال افتادن از دست صحاف یا راقع برود، در مطبع عیب کرده. و بعضی جزئیات به نظر رسید که مجال عرض نیست که من جمله تعدد میرزا محمد تقی الماسی است در آنجا، و حق آن است که با میرزا محمد تقی شمس آبادی که یکی از محلات اصفهان و مسکن ایشان بود یکی است، کما شرحناه فی کتاب «الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی» یقرُب من اللؤلؤة، و الآن در ظهر مجلد اول «بحار» مشغول طبعند در تهران.

عجالةً غرض از تصدیع، دو مطلب است:

اول: آن که کتاب «قصص [العلماء]» در نزد علماء ایران مخدوش و معیوب و مجروح است، حتی آنکه وقتی بنا بود جمع کنند و اِتلاف کنند از کثرت اکاذیب صریحه و اشتباهات واضحه، و جرحی که از علمای اعلام کرده. لا محالة، در نقل از آن کتاب اقتصار بر معلومات یا تصانیف شود، از باقی حکایات و قضایای آن اعراض کنند که باعث بی اعتباری آن نشود.

و ثانیاً: حقیر در آخر جلد اول «دارالسلام» که مقصور است بر ذکر منامات صادقۀ علماء و صلحا و اخیار، رؤیایی از مرحوم والد نقل کردم و به آن مناسبت

ترجمه احوال ایشان را کردم، چنانچه در چند مورد چنین کردم، حال صورت آنچه در آنجا نوشتم بعینها ارسال فیض حضور شد، که اگر صلاح دانید در جلد دیگر آن ضبط نمایند، و اِلَّا فَا لَأْمُرُ الْعَالِي مُطَاعٌ.

دو مجلد کتاب «کلمه طیبه» نوشتم جناب حاجی شیخ علی خدمت جنابعالی بفرستد و اگر بیشتر بخواهید بطلبید، نوشتم بدهند. اَدَامَ اللهُ تَعَالَى أَيَّامَ افَادَاتِكُمْ.
من العبد حسين النوري في آخر شوال ۱۳۰۳.



تصویر نامه شماره ۹

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض مقدس عالی می‌رسانم که دورقیمه کریمه در کاظمین علیهما السلام رسید: یکی در وقت رفتن به کربلا به جهت زیارت عرفه، و دیگری در اواخر محرم در وقت مراجعت. الحمد لله علی السلامة و التوفیق.

مجلدات «تشبیه» دو ماه قبل رسید، یک جلد فرستادم طهران به جهت جناب مستطاب مؤلف «نامه دانشوران» و سه جلد در اینجا به اهله رساندم. حال دستم خالی است، به جهت جناب شریعتمدار حاجی میرزا محمد حسین شهرستانی که حالت ایشان به همان نحو است که مرقوم فرمودید بسیار شایسته و سزاوارند، و الحق از امثال خود امتیاز دارند.

در خط سابق وصول چهار مجلد را نوشتم که به توسط جناب حاجی شیخ علی محلاتی مرحمت فرمودید، و لکن فهرس کتابخانه رضوی نرسید و لکن همی نباشد جناب‌عالی را. مرحوم حاجی ملا باقر کتابفروش در زمانی مرحوم شدند که حقیر در ایران بودم و فوراً تمام کتب او را فروختند، جزقطعه [ای] از «خیرالمقال» که به جهت احتمال امانت تاکنون محبوس مانده، و هر چه خواستم آن دفتر فروش را به دست بیاورم که آن نسخ به کجا منتشر شده تحصیل کنم میسر نشد، دفتر مفقود شده، از آن دسته کتب حال مایوس شدیم. «کنز الراغبین» را از خودم گرفته بود بسیار متأسفم.

و اما آنچه موجود است حال از آن ثبت که مرقوم فرمودید، «شرح اربعین» قاضی سعید، رجال ملا حاجی محمد اردبیلی تلمیذ مجلسی، تقریباً پنجاه هزار بیت است. «رجال بحر العلوم» حاضر است، اما از اصل ناقص است، حال باید معلوم فرمایید مقدار موجود در آنجا را که اگر کمتر است، تتمه ارسال حضور عالی شود. «ضیاء العالمین» در امامت که بعینه همان کتاب امامت شیخ ابوالحسن، جدّ اُمّی صاحب «جواهر» است در دو جلد است به قدر «ریاض العلماء» است. (این سه کتاب در کتابخانه مرحوم شیخ عبدالحسین است، و حال در نزد حقیر است جز جلد ثانی

«ضیاء»). مقنع سید مرتضی که همان رساله غیبت ایشان است، هدایه حسین بن حمدان، طُرف ابن طاوس، مجتبی ابن طاوس، کشف المحجّة ابن طاوس. هدایه، در معجزات است و غالباً اخبار غریبه دارد و همه آنها مسند است. طُرف، مقصور بر ذکر اخبار اثبات وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام است و بیشتر آن از کتاب وصیت عیسی بن فلان [کذا] مستفاد است. مجتبی، در ادعیه موجهه متفرقه. کشف، در وصایا است که احسن کتب سلوک است. این چهار بلکه با مقنع زیاده از ده هزار بیت نمی‌شود. مقالات مفید که بسیار کتاب شریفی است چهار هزار بیت. أسئلة الحاجب للمفید بعینه همان مسائل العکبریه است، در نزد حقیر موجود است. «رونق المجالس» علی بن احمد کوفی که صاحب «استغاثه» است اگر همان کتاب اخلاق اوست، نسخه ناقص پارسال به دست آمد، از اول و آخر و اوراقی از وسط ناقص است، بعضی اخبار شریفه خوبی دارد. «عین اللغه» خلیل در کتابخانه مرحوم شیخ عبدالحسین موجود است. کتاب «منتظم» را، نوشتم مؤکداً که نسخه کنند إن شاء الله. و در این سفر رساله «الردّ علی المتعصّب العنید المانع عن ذمّ یزید» ابن جوزی به دست آمد، شاید هزار بیت بشود، چنانچه در خدمت جنابعالی نباشد اعلام فرموده بفرستم. و نیز جلد اول تاریخ انماطی در نزد یکی از سادات دیدم. احوال عشره مبشره را مقدم داشته، سفارش کردم چند ورق که متعلق به احوال حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود مقرر داشتم نسخه کنند به جهت جنابعالی. شرح اخبار مشکله از جناب سید عبدالله شبّر است مسمی به «مصباح [کذا، ظ: مصابیح] الأنوار» در دو جلد، پیدا می‌شود، گمانم پانزده هزار تقریباً بشود. حالت این مرحوم در «نجوم السما» بسیار تقصیر شده، خود و پدرش و جدش از علما. عجاله ترجمه او را از کتاب «تکملة الرجال» که به منزله حواشی است بر «نقد الرجال» تألیف جناب شیخ عبدالنبی کاظمینی که تلمیذ آن مرحوم و تلمیذ شیخ اسدالله صاحب مقایس است نوشته، با ترجمه خود مترجم، ارسال حضور باهرالنور شد. با این همه تصانیف، حیف است مجهول القدر بماند.

تفصیل شروح کتب احادیث و جواب سایر مطالب إن شاء الله از سامره؛ چون حال، مرکب بسته روانه است و خودادرجناح حرکت، حواس درستی ندارم.

جلد اول کتاب عبقات انوار زاهرات به دست نیامد. در این سفر در خدمت جناب مستطاب حاجی سید حسین واعظ یزدی آیده الله دیدم، بسیار محل احتیاج حقیر است.

كيف الوصول الى سعاد و دونه قَلُّ الجبالِ و دونهنَّ حُتوفُ

قطعه [ای] از... در کتب مرحوم شیخ عبدالحسین موجود است و گمانم از احوال عثمان باشد، تا حالات جناب سید الشهدا علیه السلام، چهار پنج هزار بیت به نظرم بیشتر نیست.

این «تکملة الرجال» هم کتاب نفیسی است فواید طریفه خوبی دارد ده دوازده هزار بیت می شود، چنانچه بنا به استکتاب باشد باید يك مرتبه، کاغذ از بغداد بطلبم و کاتبی را به آنجا بیاورم که به... مشغول شود.

کتاب «نقض عثمانیه» هنوز در طلسم است، شرحش طولانی است امیدوارم آخر به دست بیاید، خداوند به این خلق انصاف بدهد. از قرار مذکور صاحب این کتاب، کتابخانه معتبری دارد که همه از نسخ کهنه قدیمه، و احدی به آنها راه ندارد، و ابدأ به سطری از آنها منتفع نمی شود.

از فهرست کتب شیخ مفید که ارسال فرمودید این چند رساله در اینجا موجود است: رساله سهو النبی صلی الله علیه و آله، رساله عدد و الرؤیه، رساله غیبت، اقسام مولی، مسائل عکبریه. باقی را بسیار طالبم.

مدینه العلم از عهد شیخ حسین والد بهائی تاکنون مفقود است، مرحوم حاجی محمد باقر اصفهانی گویا قریب به سه یا چهار هزار روپیه صرف کرده به جهت تحصیل او که به اطراف که احتمال می داد فرستاد و نشد.

نسخه [ای از] «تشبیه» به اسم جناب سید عالم آقا سید حسن پسر جناب مستطاب آقا سید هادی که برادر زاده مرحوم سید صدر الدین عاملی اصفهانی و از مدّاحین بلکه فدویان جنابعالی است، ارسال فرمایید نزد جناب حاجی شیخ علی محلاتی، مسکن ایشان در کاظمین است. زیاده مجال نیست. ادام الله تعالی ایام سعادتکم و افادتکم بمحمد و آله علیهم السلام.

من العبد المذنب حسین النوری فی غرة شهر صفر ۱۳۰۴.

رساله [ای] مرحوم سید محمد سید معصوم در احوال مرحوم سید عبدالله شبر نوشته، جناب آقای سید حسن سلمه الله دارند و فرمودند که می‌دهم خدمت جنابعالی برسانم، ان شاء الله می‌رسد.
نامه شماره ۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض مقدس عالی می‌رساند که پس از نوشتن عریضه، اَلْقَى إِلَى كِتَابِ كَرِيمٍ، با مجلد نور که يتَلَاؤُ مِنْهُ اَقْطَارُ السَّمَاوَاتِ وَ اَفَاقِ الْاَرْضِينَ به توسط جناب مستطاب سید واجد حسین آیده الله تعالی رسید. امروز خدمت ایشان رسیدیم و صبح عازم کربلا، با نداشتن بضاعت عجب صدمه و خسارتی کشید [ه] در دریا، عَجَالَةَ جَزْنِي خرجی برای ایشان تحصیل شد. و مدتی باید در کربلا توقف نمایند تا به زبان فارسی الفت بگیرند که بتوان ادای مقصود با یکدیگر کرد.

فهرست کتب زیارت شد جز «مناقب خوارزمی» اثری از باقی نیست، و حقیر را گمان آنکه تا حال «مناقب» به دست جنابعالی آمده، و الا البته تا حال نسخه می‌فرستادم. نسخه خودم با «مجمع الزوائد» در طهران است، اما در نجف اشرف موجود است. ان شاء الله تعالی عنقریب تحصیل کرده ارسال می‌شود. و به جناب عالم جلیل شیخ فضل الله نوری همشیره زاده که الآن در طهران از علمای معروفینند امروز نوشتم که مقصود را از «مجمع الزوائد» نوشته مُعْجَلًا بفرستند، و برای تتمه ان شاء الله از بلاد به قدر میسور سعی خواهم کرد. لَعَلَّ اللّٰهَ يُحَدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ اَمْرًا.

خصایص العلویه هنوز به دست نیامد، در بغداد هست نزد خبیثی ناصبی، چندین نفر متعهد شدند به تدبیری بگیرند هنوز میسر نشد.

در کاظمین معروض داشتم که نُسخ «تشبیه» بلاشبیه قبل از رسیدن خط جنابعالی به اهلش رسید. برای جناب مستطاب عمدة العلماء حاجی میرزا حسین شهرستانی در کربلا نماند و الا بسیار به موقع بود. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

من العبد حسین النوری.

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض مقدس عالی می‌رساند که در يك ماه قبل عریضه [ای] با کتاب «حجة السعادة» به توسط جناب مستطاب حاجی شیخ محمد علی کشمیری ارسال خدمت شد و مطالب عدیده در آن خط بود، منتظر جواب آنها هستم.

واکنون مراسله [ای] جناب آقای حجة الاسلام [یعنی میرزای بزرگ شیرازی] دام ظلّه مرقوم فرمودند، با مکتوبی دیگر انفاذ حضور مبارک شد، مرجو که دو باره رد نفرمائید. احتیاط جنابعالی معلوم، و لکن مقاصد دیگر در میان است که انجام آن در آنجا مطلوب و منافاتی با احتیاط ندارد، و البته این مُلتمس قبول خواهد شد.

امروز خطی از یزد رسید بشارت پیدا شدن چند کتاب از خاصه و عامه در آن بود: مناقب ابن مغازلی، مثالب ابن شهر آشوب، اربعین خوارزمی. حالیه در تدبیر استکتاب آنها در آنجا، امید به اعانت اجداد طاهرین شما صلوات الله علیهم اسباب آن فراهم بیاید.

خطی در جوف است، صاحب آن جناب مستطاب عمدة العلماء آقا میرزا ابوالفضل، پسر عالم جلیل حاجی میرزا ابوالقاسم، ارشد تلامیذ مرحوم خلد آشیان شیخ مرتضی اعلی الله مقامه که شرح حال ایشان در نامه دانشوران شده، مُعزّی إلیه از اجله علما و با فضل، و از مخلصین و مداحین جنابعالی، مکرّر خواسته به توسطی خود را متذکر کند، حال به این عریضه مزاحم شده، مرجو که نام ایشان را در دفتر محبین ثبت فرموده، و به دو کلمه جواب، ایشان را مفتخر فرمایید. خدمت آقا زادگان عظام و مؤالیان کرام و فضلی فحام، آقا سید ناصر حسین و آقا سید ذاکر حسین قرآ کذا، ط: أقر الله أعیننا بوجودهما سلام می‌رسانم. ادام الله تعالی آیام افاداتکم.

من العبد المذنب حسین النوری الطبرسی فی ۲۶ شهر رجب ۱۳۰۵.